سیره نبوی(ص) در کتاب بحارالانوار

حسن حسین زاده شانه چی(1)

سیره نبوی(ص) به لحاظ اهمیت نظری و عملی از دیرباز مورد توجه نویسندگان مسلمان بوده است. بی شك تحقیق صحیح و موفق در این باب می طلبد که کلیه منابع و روایات موجود مورد نظر و نقد و بررسی قرار گیرند. منابع شیعی در این زمینه به سبب عوامل مختلف سیاسی و مذهبی و اجتماعی یا از بین رفته یا شرایط بروز و ظهور نیافته اند, با این حال بخش عمده ای از روایات سیره در منابع شیعی متإخر یافت می شوند که برای پالایش و جرح و تعدیل روایات متداول در منابع مشهور و متعارف سیره بسیار ارزشمند می باشند. کتاب بحارالانوار گرچه از منابع متإخر به شمار می رود, ولی به جهت گردآوری روایات پراکنده منابع متعدد شیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

واژه های کلیدی: سیره نگاری, تشیع, روایات و منابع, بحارالانوار, مجلسی.

نگارش سیره نبوی به لحاظ جنبه دینی ـ نه صرفا تاریخی و با انگیزه های تاریخ نگاری ـ از اواخر قرن اول قمری آغاز شد و هدف اساسی از آن, ثبت آن بخش از حوادث زندگانی رسول خدا(ص) بود که می توانست به نحوی در امور دین و دنیای مردم مفید و راهنما باشد و این اندیشه برخاسته از آموزه الهی ((ان لکم فی رسول الله ا سوه حسنه))(2) بود. البته نقل روایات و حکایات سیره تا پیش از تدوین به طور شفاهی متداول بود و سرمشق زندگی مسلمانان, اما وقتی کلام ((قیدوا العلم بالکتابه))(3) آنان را به اهمیت ثبت و ضبط متوجه کرد به تدوین سیره دست زدند.
با پیدایش تاریخ نگاری اسلامی در دهه های آخر قرن اول قمری روایات سیره در آثار تار یخ نگاران مسلمان ظاهر شدند. مکتب تاریخ نگاری مدینه که برخی موسس آن را ابن شهاب زهری دانسته اند(4) برخلاف مکتب عراق توجه بیشتری به نقل روایات سیره داشت. با این حال تاریخ نگاران مکتب عراق از پرداختن به سیره پیامبر اکرم(ص) یکسره غافل نماندند و با کمی تإخیر روایات سیره بیشتر در آثار این مکتب نمایان شد.
جدا از ادبیات تاریخ نگاری, احادیث سیره رسول خدا(ص) به فراوانی در کتابهای روایی ای که نگارش آن ها از حدود نیمه قرن دوم قمری آغاز شده بود یافت می شد. این نوشته ها که با انگیزه های خالص دینی و برای تبیین بخشی از سنت پیامبر ـ که در امور فردی و اجتماعی مسلمانان کاربرد داشت ـ به نگارش درآمده بودند بخش عمده ای از روایات سیره را در خود داشتند. مهمترین ویژگی آثار مذکور این بود که روایات آنها عمدتا با ذکر سلسله سندهایشان نقل شده بودند و این امر به لحاظ سنجش اعتبار و صحت و سقم این روایات اهمیت بسیار داشت.
با وجود تلاش بسیار برای پالایش احادیث نبوی که روایات سیره را هم دربر می گرفت و نمونه بارز آن نوشتن کتاب های صحاح بود تدوین سیره دچار تحریفات و دستکاریهایی شد که از انگیزه های سیاسی و مذهبی ناشی می شد. اشراف کلی حاکمان بر تدوین از مهمترین عوامل در این زمینه بود که ممانعت کلی از تدوین احادیث نبوی ـ که تا دهه های

نخست قرن دوم ادامه داشت(5) ـ جعل و تحریف احادیث (از جمله معاویه تشویق می کرد روایاتی علیه علی(ع) و در فضایل عثمان و شیخین نقل کنند)(6) و عملکرد گزینشی در ثبت روایات (سلیمان بن عبدالملك کتاب ابان بن عثمان را سوزانید چون در آن از منا قب انصار یاد شده بود(7) و خالدبن عبدالله قسری از زهری خواست چنان کتابی بنویسد که جایگاه علی (ع) را در جهنم بنمایاند)(8) تحت همین اشراف کلی قرار داشتند, به همه اینها باید تعصبات مذهبی و جانبداریهای فرقه ای را افزود که سبب تحریف و تأویل روایات سیره به شیوه های دلخواه می شد.

در کنار این روند کلی نگارش سیره, مکتب تدوین تشیع با هویتی متمایز قرار داشت.
شیعیان علی رغم ممانعت از تدوین سنت پیامبر از همان دهه های آغازین به این کار مبادرت کردند و در میان انبوه احادیث, از سیره رسول خدا(ص) هم بسیار روایت مآورد ند. رکن اساسی روایاتی که شیعیان در باب سیره نقل می کرد ند احادیثی بودند که از زبان امامان اهل بیت ـ علیهم السلام ـ شنیده بودند. استواری و صحت این دسته روایات به مقتضای ((اهل البیت ادری بما فی البیت)) از روایات راویان عثمانی و اموی بیشتر بود. امامان ـ علیهم السلام ـ به لحاظ اهمیت نظری و عملی سیره نبوی و هم به منظور پالایش روایات سیره و جداسازی غث و سمین آنها به نقل روایات مذکور می پرداختند. روایات ایشان یا به طور مسند از طریق پدرانشان به امام علی(ع) می رسد یا به کتاب هایی که آن حضرت نوشته بود. روایات امام علی(ع) نیز بخش عمده ای از روایات سیره را تشکیل می دهند که جدا از منقولات نهج البلاغه در کتاب های روایی دیگر به طور پراکنده موجودند.
با این حال در میان تألیفات شیعیان در دو قرن نخست قمری به ندرت کتابی می توان یافت که به سیره نبوی اختصاص یافته باشد (مانند کتاب المبعث و المغازی ابان بن عثمان بجلی, متوفی به سال 150ق) و روایات سیره به طور عمده در اصول و کتب روایی ایشان نقل شده بودند, اما با اندکی تأخیر همین روایات در کتاب هایی که به سیره معصومین ـ علیهم السلام ـ اختصاص یافتند (مانند الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی) و نیز در جوامع حدیثی گرد آمدند. ویژگی خاص این جوامع حدیثی همان حفظ اسانید روایات بود. از نخستین جوامع حدیثی باید به کتاب الکافی کلینی و از متأخرترین آنها به بحارالانوار مجلسی اشاره کرد.

بحارالانوار و مولف آن

محمدباقر مجلسی(9) (1037 ـ 1111ق) فرزند محمد تقی از دانشمندان بنام قرن یازده و دوازده قمری بود که نسب او از طرف مادری به حافظ ابونعیم اصفهانی (نویسنده حلیه الاولیا) می رسید. وی تحصیل را در نزد پدرش که از عالمان عصر خویش بود آغاز کرد و سپس در نزد استادانی چون ملامحسن فیض کاشانی, محمد صالح مازندرانی, شیخ محمدبن حسن عاملی و... به کسب دانش پرداخت و به زودی در زمره عالمان زمان خود درآمد و به تربیت شاگردانی چون سیدنعمت الله جزایری, میرزاعبدالله افندی, میرزا مهدی مشهدی پرداخت.
عالمان شیعی در این زمان که شرایط سیاسی و مذهبی را مساعد می دیدند تلاش بسیاری برای گردآوری میراث علمی شیعه و نشر و گسترش آن به خرج دادند و کتاب های بسیاری در حوزه دین و مذهب به رشته تحریر درآوردند. مجلسی نیز همپای دیگر دانشمندان شیعه در این زمینه نقشی فعال داشت به طوری که از وی بالغ بر پنجاه کتاب و رساله به زبان عربی و فارسی ذکر شده که بسیاری از آن ها باقی مانده اند, مهمترین تألیفات وی عبارتنداز:
مرآه العقول فی شرح اخبار الرسول (در شرح اصول کافی);
ملاذالاخیار (در شرح کتاب الاستبصار شیخ طوسی);
بحارالانوار (مجموعه حدیثی);
حق الیقین (در اعتقادات به فارسی);
حیاه القلوب (در اعتقادات و سیره به فارسی).

در میان تألیفات مجلسی کتاب بحارالانوار بزرگ ترین اثر وی به شمار می رود که مجموعه بزرگی از احادیث شیعه در ابواب مختلف اصول و فروع و آداب و سنن می باشد و تألیف آن حدود چهل سال به طول انجامید. مجلسی هدف از تألیف این کتاب را گردآوری احادیث و علوم اهل بیت ـ علیهم السلام ـ عنوان کرده است که در کتاب های مختلف پراکنده بوده و گذشت زمان و حوادث روزگار آنها را در معرض نابودی و نسیان قرار داده بود:
((در پی اصول معتبری بر آمدم که مهجور ما نده بودند و در طی سالیان دراز و مدت های مدید به حال خود رها شده بودند به جهت استیلای حاکمان مخالف شیعه و رهبران گمراهی یا به علت رواج علوم باطله درمیان جاهلان مدعی علم و فضل یا به علت کم توجهی بعضی از متأخرین و اکتفا به کتب مشهور و متداول...)).(10)
وی اظهار می دارد که برای دستیابی به این کتب در شرق و غرب بلاد اسلامی تلاش بسیاری به کار بست و تصمیم گرفت آنها را در یك کتاب گرد آورد تا از خطر نابودی و نسیان نجات یابند و بدین منظور روایات آنها را که در ابواب مختلف پراکنده بودند در یك فصل بندی جدید و متناسب در قالب کتاب بحارالانوار جمع نمود.(11) او کتاب خود را در 25 جلد و مشتمل بر 2300 باب تنظیم کرد که مجلدات و ابواب اولیه به اصول دین و ابواب بعدی به آداب و سنن و فروع فقهی اختصاص یافته است.
نخستین چاپ بحارالانوار به سال 1248 قمری در هندوستان صورت گرفت که تنها برخی از مجلدات آن منتشر شد. چاپ دوم آن در 1303 قمری به همت حاج محمدحسن اصفهانی معروف به کمپانی, امین دارالضرب تهران, آغاز و در 1315 قمری یعنی یك سال پس از مرگ وی به اتمام رسید; این چاپ سنگی که به چاپ کمپانی معروف است در 25 جلد به قطع رحلی در چاپخانه های تهران و تبریز صورت گرفت. چاپ جدید بحارالانوار در 1376 قمری (1336 ه' . ش) در انتشارات کتابفروشی اسلامی و دارالکتب الاسلامیه در یکصدوده جلد انجام شد که بارها تجدید چاپ شده است و با تحقیق و تعلیقات علامه طباطبائی و عبدالرحیم ربانی شیرازی و محمدباقر بهبودی و... همراه است, بعدها موسسه الوفإ و داراحیإ التراث العربی این چاپ را تجدید کردند.
جلد ششم از چاپ قدیم بحارالانوار که منطبق با مجلدات 15 تا 22 چاپ جدید است به سیره نبی اکرم(ص) اختصاص یافته است.

ابواب کتاب سیره

مولف بخش سیره کتابش را که ((تاریخ پیامبر)) نامیده در پنج بخش تنظیم کرده است:
ـ ابواب متعلق به ولادت, رشد و نمو, ازدواج, صفات و خصوصیات شخصی رسول خدا;
ـ ابواب متعلق به معجزات;
ـ ابواب متعلق به احوالات پیامبر از بعثت تا حوادث دوران مدینه;
ـ ابواب متعلق به همسران, فرزندان, خویشان و اصحاب پیامبر;
ـ ابواب متعلق به درگذشت نبی اکرم(ص)
هر یك از این بخش ها مشتمل بر ابواب متعدد و در مجموع دارای 2655 حدیث می باشند به شرح زیر:
بخش نخست شامل هجده باب و 785 حدیث است که عنوان کلی مهمترین ابواب آن عبارت اند از: خلقت حضرت محمد(ص) و بیان احوالات پدران و نیاکان ایشان و اعراب جاهلیت, ذکر بشارت ها به ولادت و نبوت پیامبر, تاریخ ولادت و امور مربوط به آن و ظهور معجزات, شیرخوارگی و دوران رشد, ازدواج با خدیجه و برخی احوالات وی, نام ها و القاب حضرت محمد(ص) و ذکر لوازم شخصی ایشان (سلاح, لباس, انگشتر و...), بیان معنای برخی آیات در شإن حضرت محمد(ص), ویژگی های شخصی و مکارم اخلاق و اوصاف نفسانی, وجوب اطاعت و دوستی و تجلیل و بزرگداشت ایشان, درباره عصمت و وجوه آن, سهوالنبی, علم رسول خدا, کتب و وصایای انبیا که نزد ایشان بود, فصاحت و بلاغت پیامبر.
بخش دوم ابواب مربوط به معجزات رسول خدا(ص) است و مشتمل بر دوازده باب و 342 روایت که در آن درباره حقیقت معجزه و وجوه اعجاز قرآن و ذکر دیگر معجزاتی که از آن حضرت

نقل شده, مانند اخبار غیبی, زنده کردن مردگان, شفای بیماران, شق القمر و ردالشمس و... بحث شده است.
بخش سوم در 36 باب و شامل 1004 روایت مفصل ترین بخش کتاب سیره است که مهمترین وقایع سیره و مغازی را در خود جای داده است, ابواب این بخش شامل: بعثت و اظهار دعوت, نزول وحی و کیفیت آن, معراج, هجرت به حبشه, محاصره در شعب ابوطالب و دعوت قبایل و وفات ابوطالب و خدیجه, هجرت به مدینه ولیله المبیت, ورود به مدینه و بنای مسجد و ذکر حوادث تا آغاز غزوات, ذکر غزوات و حوادث تا غزوه بدر کبری, تغییر قبله, غزوه بدر, حوادث بعد از بدر تا غزوه احد, غزوه احد و حمراء الاسد, غزوه رجیع و بئر معونه, غزوه بنی نضیر, غزوه ذات الرقاع, بدر صغری و ذکر حوادث تا جنگ خندق و بنی قریظه, غزوه بنی مصطلق و ذکر حوادث تا صلح حدیبیه, قصه افك, غزوه حدیبیه و بیعت رضوان و عمره القضا, نامه های پیامبر به پادشاهان و ذکر حوادث تا غزوه خیبر, غزوه خیبر و فدك, حوادث بعد از خیبرتا جنگ موته, جنگ موته و حوادث بعد از آن تا جنگ ذات السلاسل, غزوه ذات السلاسل, فتح مکه, حوادث بعد از فتح تا غزوه حنین, غزوه حنین و طائف و ذکر حوادث تا غزوه تبوك, غزوه تبوك و ماجرای عقبه, مسجد ضرار, نزول سوره برائت, ماجرای مباهله, غزوه عمروبن معدیکرب, فرستادن علی(ع) به یمن, آمدن وفود به نزد پیامبر و ذکر حوادث تا حجه الوداع ذکر وقایع تا بازگشت به مدینه و تا زمان وفات رسول خدا, ماجراهای رسول خدا (ص) با اهل کتاب و مشرکان از هجرت به مدینه تا وفات.
بخش چهارم شامل چهارده باب و 393 حدیث درباره فرزندان پیامبر و احوالات ایشان, همسران پیامبر, احوالات ام سلمه, احوالات عایشه و حفصه, خاندان و خویشان و نزدیکان پیامبر, صدقات و اوقاف رسول خدا(ص), مهاجرین و انصار و سایر اصحاب, احوالات قریش و دیگر قبایل عرب, فضایل سلمان, مقداد و ابوذر و عمار و برخی اصحاب, اسلام آوردن سلمان و احوالات او, احوالات ابوذر, احوالات مقداد و بعضی اصحاب, فضایل امت پیامبر و اخبار مربوط به آینده ایشان می باشد.
بخش پنجم در سه باب و مشتمل بر 131حدیث و ابواب آن عبارت اند از: وصیت رسول خدا (ص) به هنگام وفات و خبر تدارك سپاه اسامه, وفات و غسل و نماز و دفن پیامبر, کراماتی که بعد از وفات آن حضرت ظاهر شدند.

منابع و مآخذ

مجلسی در ابتدای کتابش نام کلیه مصادر خود را همراه نام مولفان آنها ذکر کرده است.(12) و سپس به توثیق آنها پرداخته یعنی درباره وثاقت و اعتبارشان سخن گفته است و اگر طعن و جرحی بر آنها وارد شده ذکر کرده و اگر مدح و توثیقی صورت گرفته بیان کرده است(13) و چنانچه کتابی به اشتباه به نویسنده ای منتسب شده آن را تصحیح نموده و در برخی موارد به شرح حال مولف و ذکر استادان و مشایخ وی پرداخته است.(14)
علاوه بر اینها در توثیق مصادر خود مطالبی را از مقدمه برخی از همین کتاب ها آورده است که مولفین آنها در توثیق مصادر روایی و اسانیدشان بیان داشته اند, برای نمونه مقدمه ابن شهرآشوب بر کتابش (مناقب آل ابی طالب) را آورده که در آن مولف اسناد و مشایخ روایت خویش را نام برده و روایات و سندهای مورد اعتمادش را ذکر کرده است,(15) همچنین مقدمه طبرسی را بر کتابش (الاحتجاج)(16) و مقدمه کتاب سلیم بن قیس هلالی(17) و چند کتاب دیگر را آورده است که کمك بسیار به نقد و بررسی روایات آنها می نماید.
مجموع مصادری که مولف در مقدمه بحارالانوار ذکر کرده بالغ بر 450 کتاب و رساله است,(18) ولی به نظر می رسد شمار تمام منابعی که از آنها در متن کتاب یاد شده حدود 629 اثر باشد.(19) با توجه به این که هدف مولف گردآوری آثار شیعی بوده تذکر می دهد که به چند منظور از منابع اهل سنت نیز نقل کرده است: برای شرح و توضیح الفاظ و معانی آنها, برای احتجاج بر خودشان و رد اشکالات آنها با توجه به منابع ایشان, برای تایید روایات شیعی از طریق آثار غیر شیعی و نقل روایات شیعی ای که در کتاب های اهل سنت آمده است.(20)
مجلسی هر روایت را با ذکر مصدر آن در ابتدای روایت آورده است, وی به منظور اختصار و

سهولت کار برای برخی منابع خود که بیشتر مورد مراجعه بوده اند رمزهایی از حروف الفبا قرار داده است که به جای نام کامل کتاب در ابتدای روایت ذکر شده اند مانند: ((ع)) برای کتاب علل الشرایع, ((ج)) برای کتاب احتجاج و ((شا)) برای کتاب الارشاد. مجموع مصادری که با رمز مشخص شده اند 84 کتاب می باشند, اما کتاب های کوچک تر یا آن هایی که کمتر بدانها مراجعه شده یا چندان مورد اعتماد نبوده اند(21) نام کاملشان در ابتدای روایات ذکر شده است.

منابعی که در کتاب سیره از آنها بهره گرفته است بالغ بر هفتاد کتاب و مشتمل بر تفاسیر قرآن و نهج البلاغه و کتاب های روایی و تاریخی شیعه و برخی منابع اهل سنت می باشد و عبارتنداز:

- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع);
- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (307ق);
- تفسیر محمدبن مسعود عیاشی (260ق);
- تفسیر محمدبن ابراهیم نعمانی (342ق);
- تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (قرن چهارم ق);
- تفسیر مجمع البیان طبرسی (548ق);
- نهج البلاغه;
- کتاب سلیم بن قیس;
- صحیفه الرضا(ع);
- قرب الاسناد ـ ابوجعفر عبدالله حمیری (298ق);
- کتاب المومن ـ حسین بن سعید اهوازی (حدود 250ق);
- المحاسن ـ احمدبن محمد برقی (280ق);
- بصائر الدرجات ـ محمدبن حسن صفار (290ق);
- الغارات ـ ابراهیم بن محمد ثقفی (283ق);
- الکافی ـ محمدبن یعقوب کلینی (329ق);
- التمحیص ـ محمدبن همام بن سهیل (332ق);
- الغیبه ـ محمد بن ابراهیم نعمانی (342ق);
- التهذیب ـ محمدبن علی بن بابویه, شیخ صدوق (381ق);
- من لایحضره الفقیه ـ صدوق;
- الخصال ـ صدوق;
- الامالی ـ صدوق;
- عیون اخبار الرضا ـ صدوق;
- التوحید ـ صدوق;
- کمال الدین و تمام النعمه ـ صدوق;
- علل الشرایع و الاحکام ـ صدوق;
- معانی الاخبار ـ صدوق;
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ـ صدوق;
- کشف الغمه ـ علی بن عیسی اربلی (392ق);
- مقتضب الاثر ـ احمدبن محمدبن عیاش جوهری;
- الارشاد ـ محمدبن محمدبن نعمان شیخ مفید (411ق);
- الاختصاص ـ شیخ مفید;
- الامالی ـ شیخ مفید;
- تنزیه الانبیإ ـ علی بن حسین موسوی سیدمرتضی (436ق);
- الامالی ـ محمدبن حسن طوسی (460ق);
- مکارم الاخلاق ـ حسن بن فضل طبرسی (قرن پنجم ق);
- قصص الانبیإ ـ فضل الله راوندی (بعد از 548ق);
- اعلام الوری ـ فضل بن حسن طبرسی (548ق);
- النوادر ـ قطب الدین راوندی (573ق);

ـ الخرایج و الجرایح ـ راوندی;
ـ مناقب آل ابی طالب ـ علی بن شهرآشوب (588ق);
ـ الاحتجاج ـ احمدبن علی طبرسی (قرن ششم ق);
ـ روضه الواعظین ـ محمدبن حسن بن فارسی (قرن ششم ق);
ـ کتاب الشفإ فی تعریف المصطفی ـ قاضی عیاض (544ق);
ـ سعدالسعود ـ علی بن موسی بن طاووس حسینی (668ق);
ـ جمال الاسبوع ـ ابن طاووس;
ـ اقبال الاعمال ـ ابن طاووس;
ـ فرج المهموم ـ ابن طاووس;
ـ مصباح الزایر ـ ابن طاووس;
ـ شرح نهج البلاغه ـ عبدالحمیدبن ابی الحدید (655ق);
ـ کتاب الروضه فی المعجزات و الفضایل;
ـ الفضایل ـ جبرئیل بن شاذان (660ق);
ـ کتاب المعراج ـ شیخ ابومحمدحسن;
ـ الکامل فی التاریخ ـ ابن اثیر (630ق);
ـ ارشاد القلوب ـ حسن بن ابی الحسن دیلمی (771ق);
ـ العدد القویمه ـ علامه علی بن یوسف حلی (726ق);
ـ مختصر بصایر الدرجات ـ حسن بن سلیمان حلی (قرن هشتم ق);
ـ کتاب الانوار ـ ابوالحسن بکری (952ق);
ـ رسایل شهید ثانی (966ق);
ـ المنتقی فی مولد المصطفی ـ کازرونی;
ـ الصحاح (فی اللغه) - اسماعیل بن حماد جوهری (حدود 400ق);
ـ النهایه ـ ابن الاثیر الجزری (606ق);
ـ قاموس المحیط ـ فیروز آبادی (817ق).

اینها مهمترین مصادری هستند که مجلسی در باب سیره از آنها نقل کرده است. به جز اینها از کتاب ها و رساله های متعددی در شرح و توضیح روایات یا در بحث های اعتقادی که مطرح کرده, بهره جسته است; همچنین از بسیاری از کتاب ها به طور غیر مستقیم نقل قول کرده است, مانند نقل هایی از واقدی, ابن اسحق, کلبی, طبری و دیگران که در کتاب های کشف الغمه, مناقب آل ابی طالب و الفضایل و... آمده و مجلسی آنها را به جای خود ذکر کرده است.

شیوه تدوین

ـ نقل آیات: مولف در ابتدای هر باب آیاتی را که با عنوان باب متناسب هستند با ذکر نام سوره و شماره آیه ذکر می کند. بدیهی است در برخی ابواب, آیاتی متناسب با موضوع آن ها وجود ندارد, از آن جمله ابواب 2 و 4 و 6 و 7 و 12 از بخش معجزات رسول خدا(ص)(22)و باب هفدهم و هجدهم از بخش اول.(23) وی پس از ذکر آیات, تفسیر کلی آنها را عمدتا از تفسیر مجمع البیان طبرسی نقل می کند و سپس به ذکر روایات می پردازد.
ـ نقل روایات: مولف در هر باب کلیه روایاتی را که در موضوع مربوط یافته ذکر کرده است. او در ذکر روایات ترتیب زمانی مصادر را رعایت نکرده و گاه روایات مصادر متإخر قبل از مصادر متقدم آمده اند, ولی به توالی زمانی رویدادها توجه داشته است. مجلسی نخست نام مإخذ خود را اغلب به صورت رمز و گاه به طور کامل ـ و اگر یك روایت در چند مإخذ موجود بوده نام یا رمز همه آنها را ـ آورده و سپس سند روایت را ذکر می کند. با آن که وی به ذکر سند روایات تإکید داشته, چنان که در مقدمه کتاب هم اشاره می کند,(24) در برخی موارد جهت اختصار از ذکر تمام سند خودداری کرده است. این موارد در خصوص سندهایی است که بارها تکرار شده اند و روایات متعددی از طریق آنها نقل گردیده, وی در مقدمه کتاب این اسانید را ذکر کرده و تذکر داده است که در متن کتاب, هر یك از این سندها را فقط با نام

اولین راوی آنها مشخص کرده است,(25) برای مثال همه روایاتی که در کتاب قرب الاسناد از طریق ((سندبن محمد از ابوالبختری وهب بن وهب قرشی)) نقل شده در متن با عنوان ((به سند خود از ابوالبختری)) نقل کرده است.(26)
مولف از ذکر خبرهای مشابه در یك باب پرهیز کرده است. در مواردی که یك خبر با سندهای متفاوت در چند مصدر وجود داشته خبر مذکور را از یکی از مصادر ذکر کرده و سپس تذکر داده است که همان خبر در کتابی دیگر وجود دارد و سند آن را بدون نقل خبر ذکر می کند(27) و چنانچه دو خبر مذکور به لحاظ سند و متن کاملا مشابه هستند پس از بیان روایت یکی از مصادر به ذکر نام مصدر یا مصادر دیگر بسنده می کند(28) و اگر میان دو خبر اختلاف ناچیزی باشد اشاره می کند.(29) در مواردی که دو روایت متفاوت دارای سند یکسان هستند پس از ذکر مصدر روایت دوم و تإکید بر این که سند آن, همان سند روایت نخست است کل روایت را ذکر می نماید.(30)
مولف همچنین به جهت پرهیز از طولانی شدن مباحث هر باب, گاه از ذکر کلیه اخباری که در یك مصدر موجود است و با موضوع پیوند دارند خودداری می کند ضمن این که به وجود این روایات در آن مصدر اشاره می نماید, برای مثال در ذیل خبری از کتاب سعدالسعود در باب بشارت ها می گوید ((وی (ابن طاووس) بشارت های بسیاری در کتابش آورده که با بیان آنها سخن را طولانی نمی کنیم و همین خبر که ذکر کردیم بسنده است)).(31) در ضمن به ندرت یك خبر را که با موضوع دو باب مختلف تناسب دارد در هر دو باب ذکر می کند مثلا در ذیل روایتی از کتاب احتجاج در باب معجزات می گوید ((این خبر و شرح آن در جلد چهارم (دهم) آمده, ولی در این جا هم ذکر کردیم زیرا با موضوع این جلد تناسب بیشتری دارد)).(32)
ـ شرح و توضیح: مجلسی ضمن ذکر روایات هر جا نیاز دیده به شرح و توضیح پرداخته است. وی در بسیاری موارد الفاظ دشوار و اصطلاحات را معنا کرده یا نکات دستوریای را که در فهم روایات سودمند هستند تذکر داده و در این زمینه بیشتر از کتاب های الصحاح جوهری, قاموس المحیط فیروزآبادی و النهایه جزری و کتاب های دیگر بهره گرفته است. در ذیل بعضی روایات به ترجمه و شرح اشعار موجود در آنها پرداخته است. توضیح درباره اماکن جغرافیایی ذکر شده در روایات نیز اگر چه به ندرت مورد توجه مولف بوده است.
علاوه بر توضیحات لغوی, مجلسی به شرح روایات و بیان مفاهیم و نکات قابل برداشت از آنها یا تبیین نکات مبهم یا اختلافات و تعارضات احتمالی میان روایت اقدام کرده و به اشکالات موجود پیرامون آنها پاسخ گفته است, این توضیحات با عناوینی چون ((بیان)), ((اقول)), ((تبیین)), ((توضیح)), ((تذییل)), آغاز می شوند که سخن مولف را از متن روایات جدا می سازند.
ـ نقد و بررسی: گرچه هدف مولف صرفا گردآوری روایات و تبویب آنها بوده, ولی کار او خالی از عنصر نقد و بررسی نیست. وی هم در مقدمه کتاب (هنگام معرفی مصادر) و هم در متن کتاب به این نکته توجه داشته است. در مقدمه کتاب پس از معرفی اجمالی مصادر خود به توثیق آنها پرداخته است و اگر نکته ای منفی حیثیت و اعتبار آنها را خدشه دار کرده یادآور شده, مثلا درباره کتاب احتجاج می گوید ((گرچه بیشتر اخبار آن مرسل هستند ولی از کتاب های معروف و متداول است...))(33) یا درباره حافظ رجب برسی و کتاب های او می گوید ((به روایاتی که فقط وی نقل کرده اعتماد نکردم, زیرا این دو کتاب او مطالبی را در بر دارد که موجب غلو و اشتباه می شوند و تنها روایات موافق با اصول معتبره را از وی اخذ کرده ام))(34) و در کنار اینها از کتاب های معتبر با ستایش و تجلیل یاد کرده است.
وی در متن کتاب نیز گاه به نقد سند یا متن روایات پرداخته است از آن جمله در ذیل خبری از کتاب الفضایل در باب کودکی پیامبر می گوید ((این خبر چون از طریق مخالفین نقل شده زیاد مورد اعتماد نیست اما آن را ذکر کردیم, زیرا در آن نکاتی است که عقل از پذیرشش ابایی ندارد))(35) یا در ذیل روایتی در باب معراج از کتاب امالی می گوید ((این روایت از روایات آحاد است که یقینی حاصل نمی کند به علاوه تضعیف هم شده است)).(36) او فقط به نقد سند روایات بسنده نکرده و به بررسی متن روایت هم توجه داشته است چنان که پس از ذکر روایتی از کتاب عیون اخبار الرضا در باب تاریخ بعثت می گوید ((این خبر مخالف با سایر اخبار

مستفیضه است...))(37) و سپس وجوهی را در بیان معنای روایت ذکر می کند.
علاوه بر اینها مولف به مقابله و مقایسه روایات و موارد اختلاف یا احتمالا تعارض آنها توجه داشته و به رد و ایراد و ذکر وجوهی احتمالی برای جمع میان روایات و برطرف کردن موارد اختلاف پرداخته است.
ـ هماهنگی مطالب: مولف هم به جهت رعایت اختصار و پرهیز از تکرار و هم به جهت هماهنگی میان مطالب کتاب و تسهیل دستیابی به مطالب مربوط به هر موضوع در ذیل بسیاری از روایات به وجود روایات دیگری در همان موضوع یا موضوعاتی متناسب با آن در ابواب دیگر اشاره کرده است, چنانچه خبری متناسب با موضوع مورد بحث در ابواب قبلی آمده ذکر می کند و اگر چنین روایاتی در ابواب بعدی خواهد آمد متذکر می شود, مثلا در باب احوالات حضرت خدیجه می گوید ((بعضی فضایل او در باب احوالات ابوطالب خواهد آمد))(38) یا درباره تاریخ وفاتش می گوید ((تاریخ وفات وی را در باب مبعث خواهیم آورد)).(39) در بعضی موارد بخشی از روایت را در بابی مآورد اما گوشزد می کند که تمام خبر در باب خودش خواهد آمد مثلا در ذیل خبری از جنگ بدر می گوید ((تمام این روایت همراه با سند آن در کتاب دعا خواهد آمد))(40) و یا اشاره می کند که شرح و توضیح روایت در ابواب دیگر موجود است.(41) بدین ترتیب اطلاعات کلی درباره ابواب مختلف و موضوعات آنها را در اختیار خواننده قرار می دهد و دستیابی به اخبار و روایات مرتبط با هم را برای خواننده آسان می سازد.
ـ طرح بحث های اعتقادی: بسیاری از روایات سیره مشتمل بر مطالبی هستند که ارتباط مستقیم با اصول اعتقادات دارند, از این رو مولف در ذیل این قبیل روایات بحث های اعتقادی و کلامی را مطرح می کند و در آن ها به شرح و توضیح نکات روایات می پردازد, مثلا در باب معجزات پیامبر بحث مفصلی درباره حقیقت معجزه و وجوه دلالت معجزات بر حقانیت نبوت پیامبر ارائه می کند.(42) در این بحث ها اغلب اشکالات و شبهات مخالفان و منکران را مطرح کرده و با ذکر اقوال علما و نظریات خویش به رد و جواب آنها پرداخته است و گاه به تصحیح برخی اشتباهات علمای سلف اشاره کرده است; از جمله بحث های اعتقادی در ابواب سیره می توان به این موارد اشاره کرد: معراج و کیفیت آن,(43) وحی و کیفیت آن,(44) و عصمت.(45)
بی شك مبحث سیره نبوی در کتاب بحارالانوار دارای کاستی هایی است که بیشتر به اهداف مورد نظر در تألیف این کتاب باز می گردد. با این حال باید اذعان داشت که مجموعه روایات موجود در این زمینه در بحارالانوار به لحاظ کثرت و میزان اعتبار و نیز شرح و توضیحات نویسنده اطلاعات گسترده و ارزنده ای در اختیار محقق قرار می دهد.

پی نوشت ها:

1. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی ـ دانشگاه تهران.
2. احزاب (33) آیه 21.
3. گفته حضرت رسول به نقل از: ابن شعبه, تحف العقول, ص 18.
4. سیدصادق سجادی و هادی عالم زاده, تاریخنگاری در اسلام, ص 51.
5. برای اطلاع بیشتر در این باره نگاه کنید به: علی شهرستانی, منع تدوین الحدیث.
6. عبدالحمید بن ابی الحدید, شرح نهج البلاغه, ج 11, ص 20 به نقل از ابوالحسن مدائنی.
7. عبدالحمید صائب, علم التاریخ, ص 93, به نقل از الموفقیات, نوشته زبیربن بکار, ص 222.
8. ابوالفرج اصفهانی, الاغانی, ج 22, ص 21.
9. درباره شرح حال مجلسی نگاه کنید به: ریحانه الادب, ج 5 و روضات الجنات, ج 1, ص 118, و اعیان الشیعه, ج 9, ص 182.
10. محمدباقر مجلسی, بحار الانوار, ج 1, ص 3.
11. همان, ص 4.
12. همان, ص 6 ـ 48.
13. برای نمونه رك: همان, ص 28 ـ 29 و 32.
14. برای نمونه رك: همان ص 14 و 44 و 45.
15. همان, ص 62.
16. همان, ص 74.
17. همان, ص 76.
18. رك: همان, ص 24 ـ 25.
19. گروهی, المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار, ج 1, ص 98.
20. محمدباقر مجلسی, همان, ج 1, ص 48.
21. همان جا.
22. همان, ج 17, ص 225 و ;362 ج 18, ص 1 و 23 و 144.

23. رك: همان, ج 17, ص 130 و 156.
24. همان, ج 1, ص 48.
25. همان, ص 48 ـ 61.
26. همان, ص 48.
27. براى نمونه رك: همان, ج 16 ص 173 و 280 و 314.
28. براى نمونه: همان, ج 15 ص ;340 ج 16, ص 99.
29. براى نمونه: همان, ج 15, ص 132 و 316.
30. براى نمونه: همان, ج 16, ص ;325 ج 18, ص 371.
31. همان, ج 15, ص 241.
32. همان, ج 17, ص 298.
33. همان, ج 1, مقدمه مولف ص 28.
34. همان, 10.
35. همان, ج 15, ص 357.
36. همان, ج 18, ص 349.
37. همان, ص 190.
38. همان, ج 16, ص 2.
39. همان, ص 20.
40. همان, ج 19, ص 310.
41. براى نمونه: همان, ج 16, ص 219.
42. همان, ج 17, ص 222.
43. همان, ج 18, ص 289.
44. همان, ص 248.
45. همان, ج 17, ص 40.

منابع:

ـ اصفهانى, ابوالفرج, الاغانى (بيروت, دارالفكر, بى تا).
ـ الحرانى, حسن بن على بن شعبه, تحف العقول (قم, انتشارات بعثت, بى تا).
ـ سجادى, سيدصادق و عالم زاده, هادى, تاريخنگارى در اسلام (تهران, انتشارات سمت, 1375).
ـ شهرستانى, على, منع تدوين الحديث (قم موسسه الامام على عليه السلام, 1418ق).
ـ عبدالحميد, صائب, علم التاريخ (بيروت, الغدير, 1421ق).
ـ گروهى, المعجم المفهرس لالفاظ احاديث بحارالانوار (قم, دفتر تبليغات اسلامى, 1413ق).
ـ مجلسى, محمدباقر, بحار الانوار چاپ دوم (تهران, دارالكتب الاسلاميه, 1362ش).
ـ المعتزلى, عبدالحميدبن ابى الحديد, شرح نهج البلاغه (بيروت, داراحيا التراث العربى, 1386ق).

فصلنامه تاريخ اسلام ـ شماره 11 ـ پاييز 81